



فضای مجازی و نگاه تمدن اسلامی

درباره آسیب شناسی فضای مجازی بسیار گفته اند و خوانده ایم و شنیده ایم. یکی از آسیب‌های آن در فضای روشن فکری ونظری ایجاد توهم عالم بودن وصاحب‌سخن بودن است. تاپیش از عصر رسانه‌های اجتماعی انتشار یک مطلب حتی در یک روزنامه دست چندم کار ساده‌ای نبود، اما اکنون به‌لطف رسانه‌های اجتماعی هرکسی می‌تواند از حق اظهارنظر برخوردار باشد. این البته جنبه‌مثبت وجود چنین رسانه‌هایی است. اما مشکل آنجاست که‌درباره‌کارکردرسانه‌های اجتماعی هنوزکاملاًبحث وبررسی نشده است. مثلاً اینکه درسیاست واجتماع ودین وفرهنگ وعلوم هرکدام چه‌راه‌هایی وجود دارد کهبتوان باآن‌ها میان اظهارنظرهای باپشتوانه وبدون پشتوانه علمی تشخیص داد وتمایز برقرار کرد؟ رسانه‌های اجتماعی در چه حیطه‌هایی می‌تواند بستری برای گفت‌وشنود باشد ودרכاها نیازمند حفظ حدود شناخت علمی وتخصصی هستیم؟ به‌اظهارنظر چه‌کسانی باید در رسانه‌های اجتماعی ودر چه موضوعاتی توجه کنیم؟ مسلم است که‌موضوع‌های بسیاری در اجتماع وسیاست هست که‌می‌تواند عرصه اظهارنظر ورا‌ینتی عمومی باشد و فقط دپرتو خردی جمعی می‌توان درباره آن به‌بحث وبررسی وروشنگری پرداخت. اما موضوعات علمی بطور؟ جایگاه تخصص چیست؟ سهم جامعه علمی در هر رشته‌ای چیست؟ آیا پسندیده است که‌دعرصه رسانه‌های اجتماعی بحث‌های علمی وتخصصی رادامن زد؟ اگر این‌بحث‌ها مطرح می‌شود، چه‌راه‌هایی وجود دارد تا‌مانع ازسپطره‌عوام‌گرایی وشائنازهای رسانه‌ای بر بحث‌های علمی شویم؟ چه‌راهی وجود دارد که‌علم وتخصص رازسیاست‌زدگی یاغلبه‌موج‌های زمانه برحذر داریم؟ چطور می‌توان از‌علم در برابر موج‌های رسانه‌ای حفاظت کرد؟

به‌نظرم یک راه این است: در مباحث علمی وآکادمیک ملاک‌های متناسب با‌جامعه علمی هر رشته‌ای را حتی در رسانه‌های اجتماعی محترم شماریم. مثلاً از‌کسی که‌حتی یک‌کتاب، سهل است یک‌مقاله آکادمیک درموضوعی علمی که‌در رسانه‌ای اجتماعی از آن سخن می‌گوید، منتشر نکرده واز راه‌های معمول تخصص ودانش خود رابه‌محک داوری نگذاشته است، سخنی یا اظهارنظر مهمی را در رسانه‌های اجتماعی‌نپذیریم. در غیر این‌صورت علم،‌وبه‌ویژه علوم انسانی در زیر ضربات وشائنازهای رسانه‌ای له می‌شود و‌اساسی‌موج‌های رسانه‌ای و نکته‌پرائی‌های مجازی خواهد‌شد، نکته‌پرائی‌های کسانی که‌سرمایه‌ای علمی جز همین مداخله‌های مجازی ندارند.

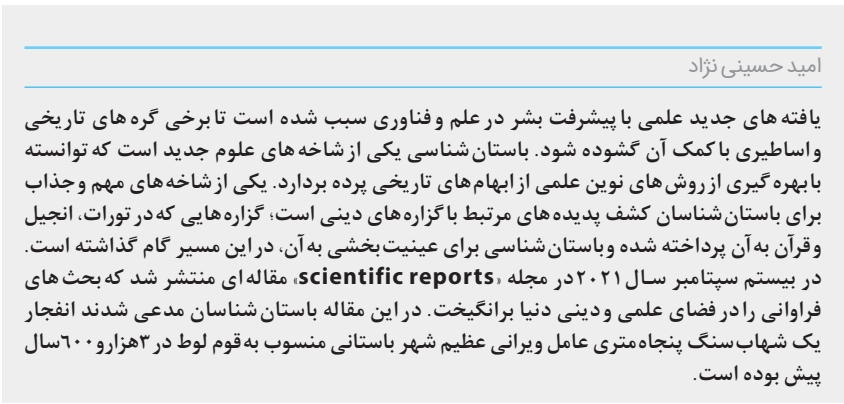
فضای مجازی حسن‌های زیادی دارد، اما آفت‌هایی هم دارد. یکی از این آفت‌ها این است که‌عهده‌ای را در توهم تولید اندیشه‌ی می‌اندارد. در قفس‌بوک وتوثیت‌به‌طور خاص آدم‌هایی رامی‌بینیم که‌با وجود ادعای داشتن مدارک و‌مراتب دانشگاهی، کار و وظیفه‌شان را در حد نکته‌پراکنی و تأملات نویسی ویادداشت‌نگاری‌های چندسطری فروکاسته‌اند، معمولاً پر از انتقاد از وضع موجود، از فرهنگ گرفته تاقتصاد واجتماع وسیاست. انتقاد که‌چه‌عرض کنیم، بیشتر نق‌زدن است، همه ما باید تلاش کنیم به‌این بیماری گرفتار نشویم. اگر نباست من وشما که‌کارمان تحقیق ونوشتن وپژوهش آکادمیک وروشمند است، به‌جای انجام وظیفه خود وساهمت وتلاش برای بهبود اوضاع وساختن آینده‌ای برای جوانان این‌مملکت دلب به‌نق‌زدن وحاشیه‌نگاری ونکته‌پراکنی مشغول شویم،‌خب کار ما را چه‌کسی باید انجام‌دهد؟ از خود پرسیم کدام‌کتاب خوب رابه‌طور نمونه در این ۱۰ سال نوشته‌ایم؟ چه‌متن اساسی را در این ۱۰ سال تصحیح ووبرایش کرده‌ایم؟

من کاری به‌فعالان سیاسی ندارم. می‌دانم که‌خیلی‌ها در فضای مجازی فعالیت رسانه‌ای حرفه‌ای راباعقاید و‌باورهای سیاسی یا حتی انگیزه‌های شخصی یا گروهی‌شان خلط می‌کنند. جذب مخاطب هم کار خیلی مشکلی نیست. کافی است اندکی از منطق علمی هر بحثی فاصله‌بگیری دوبا احساسات وجوهای ساختگی زمانه همراه شویبد. به‌درست وغلط این کار الآن کاری ندارم، اما نیک می‌دانم که‌فضای آکادمیک نباید خود را به‌این اخلاق‌ها آلوده کند. جریان‌های رسانه‌ای می‌آیند و‌می‌روند، اما وظیفه‌ام دانشگاهی واهل علم این است که‌به‌اصول ومبانی کار آکادمیک ودانشگاهی خود پایبند باشد. اگر دیدید یک دانشگاهی در احکام و‌داوری‌های سیاسی واجتماعی اش سطحی وشتاب‌زده وسیاسی‌زده عمل می‌کند و‌می‌نویسد، به‌کارهای آکادمیک اوهم باید شک کرد و‌با احتیاط آن‌ها را خواند وب‌باور کرد. فرهنگ چند هزار ساله کشورمان تا اندازه زیادی م‌رون تلاش‌ها و‌مساهمت‌ها ومیراث عالمان این سرزمین است. در همین صد سال گذشته فرهنگ ومیراث ادبی و‌علمی و‌ملی ما را چه‌کسانی حفظ کردند؟ اگر علامه قزوینی‌ها و‌عباس اقبال‌ها وفروزانفرها و‌جلال‌هایی‌ها ومجتبی‌مینوی‌ها وزریاب‌ها وفرزان‌ها و‌عصرها وزرنیکوب‌ها وغیره می‌خواستند تسلیم جو زمانه شوند ورسالت علمی وآکادمیک خود را فراموش کنند، آیا ما امروز چیزی از ادبیات وفرهنگ ومیراثمان رامی‌شناختیم؟ زبان وفرهنگ وادبیات ما را چه‌کسانی حفظ کردند؟

سخن من اینجا به‌ویژه با جوان ترهاست: دوره جوانی دوره شور واحساسات است. می‌دانم که‌بسیاری از دغدغه‌های سیاسی واجتماعی شمارا شاید محققان ودانشگاهیان وعالمان ومیراث‌پژوهان ما در سنت‌های مختلف علمی همانند وهمسان وهم‌وزن فعالان رسانه‌ای نمایندگی نکنند وبدین ترتیب توقعات شما را آن‌طور که‌فکر می‌کنید، برآورده نسازند، اما باید ملاک داوری شما درباره آنچه می‌خوانید و‌می‌شنوید، این باشد که‌چه چیزی یا آنچه دست‌او‌دب‌بزرگان تاریخ‌فرهنگ این کشور است، هماهنگ است یادست‌کم برخلاف آن نیست. جریان‌های رسانه‌ای می‌آیند و‌می‌روند. عده‌ای هم در این میان از آب‌های آلوده ماهی‌های خود را برمی‌گیرند. مراقب باشیم داوری‌هایمان درباره کشور، فرهنگ، تاریخ، ملیت، دین و‌مذهب، زبان، هم‌بستگی‌های اجتماعی تاریخی‌مان تحت‌شعاع‌هایموهای رسانه‌ای وسیاسی وجریان‌سازی‌های زودگذر ومتأسفانه در بسیاری اوقات قلابی قرار نگیرد. ملاک را روشن کنیم: بینیم هرکس چیزی می‌گوید باجریان‌ی رانمایدگی می‌کند که‌با ثوابت فرهنگی و‌با تاریخ‌وهویت تاریخی واجتماعی‌مان وآنج‌ه حاصل تلاش‌های فردوسی‌ها، ابن‌سیناها، ابوسعید ابوالخیرها، شیخ طوسی‌ها، خیام‌ها، عطار‌ها، مولانا‌ها، خواج‌نصیر‌ها، سعدی‌ها، ملاح‌دار‌ها، آخوند خراسانی‌ها، نائینی‌ها، علامه قزوینی‌ها وفروزانفرها در ساختن فرهنگ این مرز وبوم است در تعارض است، با آن همدلی‌شان ندھیم و‌با آن دست‌کم با تردید و احتیاط ونقادی سخت برخورد کنیم. کشورمان وفرهنگ‌وهویت ملی اش امانتی است در دستان ما. میراث چند هزار ساله ماست. حافظ آن باشیم.

کاوش‌های جدید باستان شناسی در منطقه «تل الحمام» اردن گزاره‌های قرآن کریم را درباره سرگذشت قوم لوط تأیید می‌کند

فرجام نفرین‌شدگان



امید حسینی نژاد

یافته‌های جدید علمی با پیشرفت بشر در علم وفناوری سبب شده است تا برخی گره‌های تاریخی واساطیری با کمک آن گشوده شود. باستان‌شناسی یکی از شاخه‌های علوم جدید است که توانسته با بهره‌گیری از روش‌های نوین علمی از ابهام‌های تاریخی برده بردارد. یکی از شاخه‌های مهم وجذاب برای باستان‌شناسان کشف پدیده‌های مرتبط با گزاره‌های دینی است؛ گزاره‌هایی که در تورات، انجیل وقرآن به آن پرداخته شده وباستان‌شناسی برای عینیت‌بخشی به آن، در این مسیر گام گذاشته است. در بیستم سپتامبر سال ۲۰۲۱ در مجله **scientific reports**، مقاله‌ای منتشر شد که بحث‌های فراوانی را در فضای علمی ودینی دنیا برانگیخت. در این مقاله باستان‌شناسان مدعی شدند انفجار یک شهاب‌سنگ پنجاه متری عامل ویرانی عظیم شهر باستانی منسوب به قوم لوط در ۲ هزار و ۶۰۰ سال پیش بوده است.

● نگاهی تاریخ‌نگارانه به قومی نفرین‌شده

یکی از پیسامبران الهی‌ی که‌ما‌جرای او وقومش به‌تفصیل در قرآن کریم بیان‌شده، حضرت لوط^(ع) است که‌به‌گفته‌صاحب‌نظران، خوششاوندی‌ایشان با حضرت ابراهیم^(ع) نیز قطعی و مسجل است. داستان حضرت لوط^(ع) با اختلاف‌شایان توجهی در تورات نیز به‌چشم‌می‌خورد که‌قطعات زیادی از آن جعلی و دور از‌شان این‌پیامبر گران‌قدر است.

لوط^(ع) در عصر حضرت ابراهیم^(ع) زندگی می‌کرد. او از کسانی بود که‌به ابراهیم ایمان آورد و‌همراه او به فلسطین مهاجرت کرد. در نسب لوط ونسبت او با ابراهیم^(ع) اختلاف است. برخی او را برادرزاده ابراهیم^(ع) یعنی فرزند هاران بن تارخ می‌دانند و‌بعضی دیگر گفته‌اند که‌لوط پسرخاله ابراهیم^(ع) وبرادر ساره، همسر آن حضرت، بوده است و‌برخی هم او را خواهرزاده ابراهیم^(ع) دانسته‌اند و‌می‌گویند ابراهیم^(ع) دابی لوط^(ع) بوده است.

قرآن کریم داستان این پیامبر بزرگ الهی وقومش را با این سخن آغاز می‌کند که، «قوم لوط فرستادگان خدا را تذکیر می‌کردند، سپس به‌دعوت حضرت لوط^(ع) اشاره می‌کند که‌هماهنگ با کیفیت دعوت دیگر پیامبران گذشته است و‌می‌فرماید: «در آن هنگام که‌برادرشان لوط به‌آن‌ان گفت: آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟»

لحن گفتار ودل‌سوزی عمیق و‌فوق‌العاده آن حضرت نشان می‌داد که‌چون یک برادر سخن می‌گوید، سپس افزود: «من برای شما پیامبری آمین هستم.» اکنون که‌چنین است، تقوای الهی پیشه‌کنید و‌از خدا بترسید و‌ما را اطاعت کنید.» فکر نکنید که‌این دعوت وسیله‌ای برای آب و‌نان است و‌یک هدف مادی را تعقیب می‌کند. نه، «من کمترین پاداشی از شما نمی‌خواهم. زیرا اجر و‌پاداشم فقط بر پروردگار

اما آن مردم خودسر در جواب لوط^(ع) گفتند: ای لوط! اگر دست از این سخنان برداری، از این سرزمین تبعید خواهی شد و‌تو را بیرون خواهیم کرد.» سخنان تو فکر ما رابه‌هم می‌ریزد و‌اراش ما رابه‌هم می‌زند. ما حتی حاضر به‌شنیدن این حرف‌ها نیستیم و‌اگر همچنان ادامه‌دهی، کمترین مجازات تو تبعید از این سرزمین است. این جمعیت فاسد، گروهی از افراد پاک را که‌ما حرام اعمال زشت خود می‌دیدند، قبل‌ا از شهر و‌آبادی خود بیرون رانده بودند. لوط را نیز تهدید کردند که‌اگر راه خود را ادامه‌دهی، تو نیز به‌همان سرنوشت

● گرفتار خواهی شد.

● سرانجام عذاب الهی رسید

جریان به‌همین منوال ادامه یافت. یعنی از جناب لوط^(ع) اصرار در دعوت به‌راه خدا و‌التزام به‌سنت فطرت و‌ترک فحشا. و‌از آن اصرار بر انجام خیانت تا جایی که‌طغیانگری ملکه‌آن‌ان شد و‌کلمه عذاب الهی در حقتشان ثابت ومحقق گردید. پس خدای عزوجل رسولانی از فرشتگانی بزرگ ومحترم برای هلاک کردن آنان مأمور کرد. فرشتگان اول بر ابراهیم^(ع) وارد شدند و‌آن جناب را زامأموریتی که‌داشتند (یعنی هلاک کردن قوم لوط) خبر دادند. جناب ابراهیم^(ع) با فرستادگان الهی بگومگویی کرد تا شاید بتواند عذاب را از آن قوم بردارد و‌ملاتکه رامتذکر کرد که‌لوط^(ع) در میان آن قوم است. فرشتگان جواب دادند که‌ما بهتر می‌دانیم در آنجا چه‌کسی هست و‌به موقعیت لوط و‌اهلش از هرکس دیگر آگاه‌تریم و‌اضافه کردند که‌مسئله عذاب قوم لوط حتمی شده است و‌هرگز برگشتنی نیست.

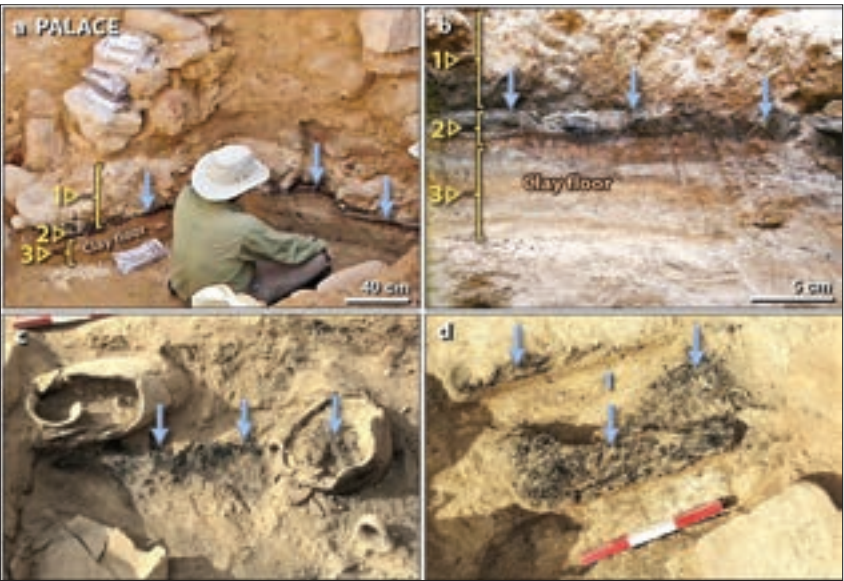
صبح، هنگام طلوع فجر، صبحه آن قوم را فرا گرفت و‌خدای عزوجل سنگی ازگل نشان دار که‌نزد پروردگارت برای اسرافگران در گناه آماده شده است، بر آنان ببارید و‌شهرهایشان را زیر و‌رو کرد و‌هرکس از مؤمنان را که‌در آن شهرها بود، بیرون نمود. البته به‌جز یک خانواده هیچ مؤمنی در آن شهرها یافت نشد و‌آن خانواده لوط^(ع) بود و‌آن شهرها رأیت وما یاه عبرت نسل‌های آینده کرد تا کسانی که‌از عذاب الیم الهی بیم دارند، بادیدن آثار و‌خرابه‌های آن شهرها عبرت بگیرند.

● یافته‌های جدید باستان شناسی در «تل الحمام»

حفاری‌های جدید باستان شناسی در شهر تل الحمام واقع در غرب اردن کنونی نشان می‌دهد یک حادثه کیهانی شده است تا حدود ۳ هزار و ۶۵۰ سال پیش این شهر ساحلی در نزدیکی دریا می‌مرده به‌طور کامل نابود شود. محققان تخمین می‌زنند انفجار این شهاب سنگ قدرت تخریبی معادل هزار برابر قوی‌تر از بمب اتمی هیروشیما ایجاد کرده است.

تجزیه وتحلیل شواهد برجای‌مانده در ویرانه‌های تپه باستانی تل الحما نشان می‌دهد یک شهاب‌سنگ به‌عرض تقریباً پنجاه متر در ارتفاع چهار کیلومتر بالاتر از سطح زمین منفجر شده وپس از یک نور خیره‌کننده، موجی از گرمای دوهزار درجه‌ای ایجاد کرده است. حرارت ایجادشده به حدی بوده است که‌بلافاصله بدنه‌های چوبی خانه‌ها را سوزانده و‌اشیای فلزی مانند شمشیر، نیزه وحتی سازه‌های سفالی وآجری را ذوب

کاوش‌های جدید باستان شناسی در منطقه «تل الحمام» اردن گزاره‌های قرآن کریم را درباره سرگذشت قوم لوط تأیید می‌کند



تصاویری از کاوش‌های باستان شناسی در منطقه تل الحمام اردن

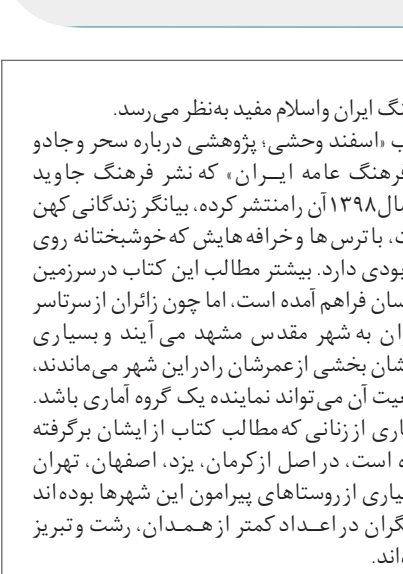
ضربه‌هوابی مطابقت دارد.» وی اضافه‌کرد: «با اطمینان صد درصد علمی نمی‌توان گفت که‌شهر ویران شده همان شهر سدوم عهد عتیق است. با این حال، توصیف‌شاهدان عینی از این حادثه فاجعه‌بار در ۳ هزار و ۶۰۰ سال پیش احتمالاً به‌یک سنت شفاهی تبدیل شده ودر قالب گزارشی مکتوب در کتاب مقدس تورات درباره نابودی قوم لوط^(ع) آمده است.»

ناحیه تل الحمام از لحاظ خاک منطقه‌ای حاصل‌خیز به‌شمار می‌رفت. با این حال، محققان که‌از سال ۲۰۰۵ در تپه‌ای در این ناحیه مشغول حفاری وتحقیق هستند، نمی‌دانستند چرا ناگهان این منطقه در دوره‌ای از تاریخش به‌شوره‌زار تبدیل شده است. باستان‌شناسان اکنون می‌گویند احتمالاً انفجار شهاب‌سنگ وحرارت فوق‌العاده زیاد، سطح عظیمی از آب شور دریای مرده را بخار کرده و‌به‌روی دره پاشیده است یا نمک‌های ساحلی دریا را بلند کرده و‌به‌روی شهر ریخته است. سواحل دریای مرده هم‌اینک نیز مملو از نمک هستند. در پی این اتفاق غلظت نمک خاک به‌میزان غیرعادی افزایش یافته و‌کشاورزی در شعاعی بیست و پنج کیلومتری غیرممکن شده است. در پی این حادثه ده‌ها هزار تن از ساکنان نواحی اطراف مهاجرت کردند و‌پس از آن ششصد سال طول کشید تا بارندگی‌ها در این ناحیه بیابانی نمک را از مزارع بشوید و‌بتوان در این منطقه بار دیگر زراعت کرد. در روایت کتاب مقدس ذکر شده است که‌به‌لوط پیامبر دستور داده شد از شهر خارج شود و‌پشت سرش را نگاه نکند، اما همسر لوط لحظه‌ای درنگ کرد و‌به «ستونی از نمک» تبدیل شد. در حالی که‌آتش و‌گوگرد از آسمان می‌بارید و‌دود غلیظ از شهر بلند بود.»

● نکته‌ای درخور تأمل برای بررسی پدیده‌ای تاریخی در متون دینی باید مسیری روشنند و‌متکی به‌مستندات قابل دفاع راطی کرد. یافته‌های علمی جدید می‌تواند در این مسیر به‌اندیشمندان علوم دینی کمک کند، اما از آنجا که‌باطلال‌پذیری این یافته‌ها محتمل است، نباید به‌عنوان مهم‌ترین سند عینی به‌آن تکیه کرد. در قرآن کریم آیات متعددی به‌جریان قوم لوط^(ع) اشاره کرده و‌نوع عذابی که‌بر آن‌ها فرود آمده، ذکر شده است. لازم است این یافته‌های جدید در کنار بررسی دقیق متون دینی به‌عنوان شواهد عینی به‌آن توجه شود. زیرا احتمال دارد سال‌ها بعد باتوجه‌به‌کاوش‌هایی جدید نظرات باستان‌شناسان تغییر کند.

تقویمی یزدگردی در مصحف کهن

در ثبت تاریخ زرتشتی در کنار تاریخ هجری اسلامی را باید یکی از مکتوبات فارسی قدیمی باقی‌مانده از سده‌های نخست دانست که با حروف عربی کتابت و ثبت شده است. فقط یک سؤال و ابهام درباره این نسخه‌ها و ذکر دو تاریخ هجری اسلامی و ایرانی یزدگردی در آن برجای می‌ماند که همچنان نیازمند پژوهش بیشتر است. روز هفتم ماه ذی الحجه سال ۴۱۵ هجری، سه‌شنبه (یوم الثلاثاء) است، اما برابر باروز ۲۶ بهمن مصادف می‌شود، نه دوم اسفند. علت این تفاوت را احتمالاً باید ناشی از محاسبه پنج روز اضاف (پنجه یا اندرگاه) در تقویم یزدگردی دانست که عموماً را به‌آخر آبان می‌افزودند و بعدها برخی آن را در انتهای اسفند محاسبه می‌کردند. اگر این سال را کیبسه بدانیم، این تفاوت شش‌روزه کاملاً برطرف می‌شود.



فرهنگ ایران و اسلام مفید به‌نظر می‌رسد. کتاب «اسفند وحشی» پژوهشی درباره سحر و جادو در فرهنگ عامه ایران، که نشر فرهنگ جاوید در سال ۱۳۹۸ آن را منتشر کرده، بیانگر زندگانی کهن است، با ترس‌ها و خرافه‌هایش که خوشبختانه روی به‌نابودی دارد. بیشتر مطالب این کتاب در سرزمین خراسان فراهم آمده است، اما چون زائران از سرتاسر ایران به شهر مقدس مشهد می‌آیند و بسیاری از ایشان بخشی از عمرشان را در این شهر می‌مانند، جمعیت آن می‌تواند نماینده یک گروه آماری باشد. بسیاری از روستاهای پیرامون این شهرها بوده‌اند و دیگران در اعداد کمتر از همدان، رشت و تبریز بوده‌اند.

در مدت سی‌ساله‌ای که نویسنده در ایران همراه با شوهرش در کارهای تبلیغی شرکت داشت، کتاب مقدس و زبان انگلیسی را نیز به‌ویژه به بانوان می‌آموخت و در عین حال به‌گردآوری مطلب برای کتاب «اسفند وحشی» خود سرگرم بود. این کتاب پژوهشی بی‌مانند در فرهنگ عامه و افسانه‌های ایران و هم‌پایه کتاب «باورها و آیین‌های ایرانی»، نوشته‌آری ماسه فرانسوی است، اما بیش از آن کتاب، بر اساس تجربه‌های شخصی استوار است. نویسنده در این کتاب به موضوع‌هایی مانند چشم بد، آیین‌های زمان زاده‌شدن کودک، عشق و زناشویی، زیارت، آیین‌های خاک‌سپاری، فرشتگان، جهان‌شناسی، ستاره‌شناسی، نام‌ها و شماره‌های سالنامه، اهمیت گیاهان و درختان، بهداشت شخصی، طلسم‌نوشانه‌ها پرداخته است و مطالعه آن برای هر دانشجوی جدی

بس‌ال‌ن داندلسن، عضو کلیسای پرسبیتری آمریکا و مبلغ آن فرقه مسیحی، در سال ۱۹۱۰ میلادی به‌تهران آمد و در مدرسه دخترانه پرسبیتری تبلیغی بیت‌ئیل به تدریس پرداخت و به‌مدیریت آن مدرسه رسید. در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۶ با دوثایت داندلسن، مبلغ دیگر همان کلیسا که یک‌سال پیش از آن به‌مشهد آمده‌بود کار تبلیغی سرگرم‌بود، در تهران پیمان زناشویی بست و این دو تا سال ۱۹۴۰ که مدرسه‌های تبلیغی در ایران دایر بود (در این سال باملی‌شدن مدرسه‌های تبلیغی، مبلغان مسیحی از ایران اخراج شدند و نام مدرسه بیت‌ئیل هم به‌نوربخش تغییر یافت) در ایران بودند. در این سال بس‌ال‌ن به‌ناچار با شوهرش به‌علی‌گهر هند رفت و در آنجا به‌مقام مدیریت مؤسسه مطالعه‌های اسلامی هنری مار تین رسید و تا سال ۱۹۵۱ که بازنشسته شد، هر دو در هند به‌سر می‌بردند.

سحر و جادو در فرهنگ عامه ایران



کتاب شناخت